



گاپ و تحول پذیری الگوی همکاری - رقابت در چارچوب رژیم هیدروپلیتیک حوضه آبریز دجله و فرات

علیرضا سهرابی نور^۱، اصغر کیوان حسینی^۲، حدیث زاهدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

چکیده:

مهم ترین منبعی که روابط دولت ها و ملت ها را در سراسر دنیا به طور عام و در خاورمیانه به طور خاص دچار تنش کرده است و بر امنیت و روابط دو جانبه و چندجانبه کشورهای منطقه ی خاورمیانه اثرگذار بوده است، منابع آب است. ترکیه با اتخاذ سیاست آب درمقابل نفت با اجرای پروژه سدسازی بر روی دو رود دجله و فرات، بنوعی حق انحصاری بهره برداری از آنها را برای خود میداند و کنترل آب جریان یافته به کشورهای پایین دست را نیز در دست خود دارد. ترکیه این امر را یک امر رقابتی منطقه ای در راستای نیل به اهداف خود میداند. باتوجه به سیاست ترکیه و تاثیر آن بر کشورهای پایین دست، دراین مقاله این سوال مطرح میشود که ترکیه با استفاده از سیاست های آبی (هیدروپلیتیک) به دنبال تحول در الگوی همکاری _ رقابتی منطقه ای میباشد؟ و آیا احداث این پروژه رقابتی مدنظر ترکیه، تبدیل به یک ابرمعضل امنیتی برای کشورهای مجاور و منطقه میشود؟ مقاله حاضر با بهره گیری از چارچوب نظری امنیت منطقه ای به این مفروض میرسد که ترکیه در راستای اتخاذ سیاستهای آبی خود به دنبال هژمونیسیم در منطقه خاورمیانه میباشد که به تبع این امر سیاستهای اتخاذ شده ترکیه باعث بوجود آمدن مشکلات زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی، ژئوپلیتیکی و... شده است که میتوان گفت تبدیل به یک معضل امنیتی و حیاتی برای حکومتها و کشورهای مجاور شده است که در متن مقاله به بررسی آن پرداخته میشود.

واژگان کلیدی: ترکیه، سدسازی، هژمونیسیم، امنیت، هیدروپلیتیک، منطقه خاورمیانه.

^۱ . کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی.

^۲ . استاد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی. (نویسنده مسئول) A.Keivan.ir@gmail.com

^۳ . دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل. دانشگاه علامه طباطبایی.



مقدمه

اهمیت استراتژیک آب در خاورمیانه توجه به این مسأله را می‌طلبد که آیا می‌توان از سلاح آب به عنوان یک عامل بازدارنده مؤثر استفاده کرد؟ کشوری که بالای یک رودخانه بین‌المللی را در کنترل دارد؛ ممکن است به احداث سدهایی تهدید نماید که به کاهش جریان آب قسمت پایین رودخانه می‌انجامد؛ در حالی که کشور واقع در قسمت پایین رودخانه ممکن است تهدید کند؛ مناطقی را که عملیات انحراف آب در آنها انجام می‌شود بمباران نماید. بنابراین، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان مسائل سیاسی، یکی از جنگ‌های آینده در منطقه، خاورمیانه بر سر تصاحب منابع آب به وقوع خواهد پیوست (خدرلو، ۱۳۸۴). بنابراین چنین تحلیل‌هایی باعث شده است که کارشناسان مسائل خاورمیانه بر این اعتقاد باشند که اگر در دهه آینده جنگی میان اعراب و اسرائیل روی دهد به احتمال زیاد این جنگ بر سر منابع آب خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت که بحران آب به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های آینده سیاسی-جغرافیای خاورمیانه مطرح است.

مطالعات مختلف از جمله مطالعه ناسا نشان می‌دهد که کشورهای عراق، سوریه، ایران و ترکیه به دلیل کاهش بارشهای آسمان، افزایش برداشت از آبهای زیرزمینی و مدیریت ضعیف منابع آب در معرض خطر خشکسالی شدید قرار دارند. حدود ۶۰ درصد از کمبود آب، ناشی از برداشت بیرویه منابع آب زیرزمینی در این منطقه است. کاهش میانگین نرخ بارشها در سالهای پیش رو در منطقه نیز، معضل کم آبی را تشدید میکند. مطالعات نشان می‌دهد که تغییرات آب و هوایی منجر به کاهش نرخ بارشها به میزان ۱۰ درصد تا سال ۲۰۵۰ خواهد شد. این در حالی است که انتظار می‌رود تقاضا برای مصرف آب تا سال ۲۰۴۵ به میزان ۶۰ درصد افزایش پیدا کند. خشکسالی علاوه بر به خطر انداختن فعالیتهای کشاورزی و اقتصادی، افزایش ریزگردها به دلیل خشکی بیش از حد خاک ناشی از بین رفتن پوششهای گیاهی را نیز به دنبال دارد که بخشهای وسیعی از مناطق کشورهای خاورمیانه را تهدید میکند (مجتبوی، ۱۳۹۷).

منابع آبی مشترک می‌توانند یک عامل هم برای مشارکت و همکاری و هم تنش و درگیری بین کشورهای ساحلی باشند. آب در کنار نفت، در حیات امنیتی و سیاسی منطقه غرب آسیا نقش و اهمیت ژئوپلیتیکی بسزایی داشته و دارد به گونه ای که مناسبات سیاسی و امنیتی بین کشورهای این منطقه را تحت تأثیر جدی خود قرار داده است. حوضه دجله و

فرات بعنوان یکی از پرتنش ترین حوضه های آبریز فرامرزی دنیا و بزرگ ترین حوضه آبریز فرامرزی در منطقه غرب آسیا، از درهم تنیدگی های متعدد تاریخی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی با آب برخوردار است (میان آبادی و امینی، ۱۳۹۸: ۵۴).

کارشناسان سیاسی و اجتماعی کمبود منابع آب شیرین را یکی از بحرانی ترین مسائلی می دانند که آینده زیرسیستم های حساس منطقه ای از جمله غرب آسیا را به شدت متأثر خواهد کرد. رقابت جدی میان دولت ها جهت دستیابی به بدیهی ترین نیاز بشری، منطقه را مستعد تنش های امنیتی جدی خواهد نمود. زیرا منطقه آسیای غربی با وجود حدود ۵٪ جمعیت جهان، تقریباً ۱٪ آب های شیرین دنیا را در بر گرفته است (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

چارچوب نظری: نظریه امنیت منطقه ای

مفهوم «مجموعه امنیتی منطقه ای برای نخستین بار توسط باری بوزان در کتاب مردم، دولتها و هراس مطرح گردید. بوزان برای تعریف و مشخص نمودن مجموعه امنیتی منطقه ای ویژگیهایی را برای آن متصور است. در این رابطه وی اشاره دارد که «از لحاظ امنیتی منطقه به معنای شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه ای از دولتهاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند». در این تعریف، دو نکته مهم و برجسته وجود دارد. نخست وجود شبکه ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و دیگری وجود نزدیکی جغرافیایی میان اعضای مجموعه. نکته مهمتر همانگونه که اشاره گردید وجود الگویی از روابط امنیتی میان اعضا میباشد که در واقع زیربنای اصلی شکلگیری یک مجموعه امنیتی منطقه ای را تشکیل میدهد و از طرف دیگر باعث تمایز این مجموعه ها از سایر اشکال گروهها و احتمالاً مجموعه های اقتصادی، فرهنگی و ... میشود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۳) مورگان استدلال میکند که کاربرد مجاورت جغرافیایی برای تعیین مجموعه امنیتی منطقه ای تعریفی دقیق بدست نمیدهد. این تعریف نمیتواند حضور کشورهای خارج از منطقه جغرافیایی که در عین حال نقشی تعیین کننده در تعاملات امنیتی مجموعه ایفا می نمایند را تبیین کند. بنابراین وی خواستار اصلاح در این ویژگی میگردد و پیشنهاد میکند که: یک مجموعه امنیتی منطقه ای دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضای مجموعه نیز کشورهایایی هستند که به طورگسترده در این روابط حضور دارند. بدین ترتیب این تعریف به ما اجازه خواهد داد تا ایالات متحده را آشکارا جزو مجموعه منطقه ای اروپا بدانیم اما برعکس اروپا را جزئی از مجموعه امنیتی



منطقه ۶ ای آمریکا شمالی به حساب نیاوریم. (ای لیک، ۱۳۸۱: ۵۳)

دیگر ویژگی تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه ۶ ای از نظر بوزان، وجود "الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها" می باشد. منظور وی از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌گردد و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوءظن و ترس حاکم باشد. بوزن توضیح می دهد که این الگوها عبارتند از: اختلافات مرزی، علاقه به جمعیت‌های مرتبط از لحاظ قومی، همسویی ایدئولوژیک و ارتباطات تاریخی. مجموعه امنیتی نیز از نظر وی به «گروهی از واحدهای سیاسی اطلاق می‌گردد که علائق امنیتی اصلی آنها به حدی زیاد است که امنیت ملی آنها را نمی توان جدا از یکدیگر ملاحظه نمود». به عقیده وی این عنوان هم شامل ماهیت تشکیل دهنده مجموعه یعنی امنیت و هم شامل ایده وابستگی متقابل جدی میان اعضا میباشد و این مجموعه امنیتی بر وابستگی متقابل در رقابت و نیز علائق مشترک اعضا هم دلالت دارد. (بوزان، پیشین: ۲۱۵) با توجه به مطالب فوق، امنیت منطقه ای را می توان چنین تعریف کرد: «امنیت منطقه ای» مجموعه تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی است که اعضای یک نظام منطقه ای در زمانی خاص آن را به کار می برند. بنابراین، امنیت یا ناامنی منطقه ای می توانند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه های جمعی به دست آید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۶۶).

سیاست های سد سازی ترکیه

از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، پروژه سدسازی ترکیه با هدف مهار رودخانه های دجله و فرات (رودخانه هایی که خود از کوهستان های ارمنستان سرچشمه می گیرد) آغاز شد تا آب این رودخانه ها به سمت سوریه و عراق حرکت نکند. در آن زمان، قدرت های وقت یعنی صدام حسین و حافظ اسد که دارای قدرت بسیاری بودند، شدیداً به دولت ترکیه هشدار دادند که ما چنین کاری را بر نمی تائیم. اما دولت ترکیه از ضعف دولت مرکزی عراق و از سوی دیگر از ضعف دولت مرکزی سوریه و جریان های تروریستی که در سوریه اتفاق افتاد، استفاده نمود و با گرفتن وام های بزرگ جهانی، توانست ۲۲ سد بر روی رودخانه های دجله و فرات بزند (محمدناصحی، مهناز گودرزی، ۱۳۹۹: ۴)

بر پایه آمارهای رسمی، در کشور ترکیه ۵۸۵ سد وجود دارد که از این تعداد، ۲۰۳ سد جزء سدهای بزرگ به حساب می آیند. سیاست سدسازی ترکیه منعکس کننده درک اولیه از

ماهیت درگیری های آینده است، به ویژه در منطقه، جایی که آب یک عامل کلیدی است. آنکارا همچنین آگاه است که عناصر قدرتی که به کشورها اجازه رقابت، به حداکثر رساندن نفوذ خود، ایفای نقش منطقه‌ای گسترده‌تر و حتی حفظ موقعیت رهبری در منطقه را می‌دهد، در حال تغییر هستند. کنترل آب یکی از ابزارهایی خواهد بود که به آن امکان می‌دهد نقش منطقه‌ای بسیار گسترده‌تر و برجسته‌تری داشته باشد و اراده اقتصادی و سیاسی خود را بر کل خاورمیانه تحمیل کند (AL-SULAMI، ۲۰۲۱: ۵).

دولت ترکیه از دهه ۱۹۸۰ پروژه آناتولی جنوب شرقی (با مخفف ترکی گپ) را در راستای ذخیره، هدایت و مدیریت منابع آبی دجله و فرات در آن محدوده آغاز کرده است. رودهای دجله و فرات به طول ۴۵۲ و ۹۵۳ کیلومتر از کوه‌های ترکیه سرچشمه می‌گیرند (اسکندریان، ۱۳۸۴: ۲۲). پروژه گپ شامل ساخت ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق‌آبی است که در نتیجه حدود ۲ میلیون هکتار زمین زراعی زیر کشت رفته و سالانه ۲۷۰۰۰ مگاوات برق تولید می‌شود که تقریباً ۲۲٪ پتانسیل برق‌آبی ترکیه می‌باشد. سد آتاترک بر رود فرات با ظرفیت حدود ۵۰ میلیارد متر مکعب و سد ایسیلو بر رود دجله با ظرفیتی سه برابر سد کرخه از بزرگ‌ترین سدهای این پروژه محسوب می‌شوند (عبدی، ۱۳۹۶: ۴۳). این پروژه حدود ۴ میلیون شغل ایجاد خواهد کرد (کاوایانی، ۱۳۹۶: ۱۱). دولت ترکیه با بهانه تأمین نیاز خود به آب شیرین اقدام به طراحی پروژه عظیم آبی گپ کرده. بر پایه برنامه های اعلام شده در پایان پروژه، تنها اجازه عبور بیشینه، ۵۰۰ متر مکعب آب را در ثانیه به سوی سوریه و عراق را خواهد داد و در همین حال، سد و نیروگاه برق‌آبی آتاترک، به عنوان بزرگترین سد ترکیه در استان آدیامان، با هدف ظاهری آبیاری و تولید برق بر روی رود فرات در چارچوب پروژه توسعه آناتولی جنوب شرقی (منطقه کردستان ترکیه) احداث شده است. ترکیه در حالی تحت عنوان طرح گاپ قرار است ۲۲ سد روی دجله و فرات در ۹ منطقه عمدتاً کردنشین بسازد و حتی برخی منابع از طرح هایی برای ساخت ۹۰ سد دیگر و ۶۰ نیروگاه برقی نیز خبر می‌دهند، که با احداث سد و بستن آب سرشاخه های دجله و فرات، ایران و عراق و سوریه، به شدت درگیر معضلات محیط زیستی و اقتصادی، اجتماعی فزاینده ناشی از این توسعه ناپایدار و خود خواهانه شده اند. نکته قابل تامل این که ترکیه در حوزه کردستان ترکیه یا آناتولی جنوبی با احداث سدهای بزرگ، نزدیک به ۵۰ میلیارد متر مکعب آب را



تصاحب می کند که این یعنی رقمی بالاتر از حدود ۴۶ میلیارد متر مکعب ۶۵۰ سدی که در ایران ساخته شده است!!! همچنین افتتاح سد ایلیسو که از سال ۲۰۰۶ شروع شده و قرار بود تا ۲۰۱۶ تکمیل شود، با توجه به اعتراض های بین المللی طرفداران حفاظت محیط زیست به تعویق افتاد. (میرسنجری، ۱۳۹۶: ۲).

آثار و اهداف سیاست سدسازی بویژه پروژه گاپ

- تغییر نقشه هیدروپلیتیک در جهت تأثیرگذاری بر شرایط ژئواستراتژیک منطقه

اهمیت استراتژیک آب در مناطق آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا که از منظر ژئوپلیتیکی موقعیت حساس و پیچیده ای نیز در سطح جهان دارند، بر هیچ کس پوشیده نیست. این موضوع در شرایط کنونی کمبود منابع آب، بحرانی تر نیز شده است. به نظر می رسد که ترکیه به دنبال استفاده از این منبع حیاتی به عنوان ابزاری است تا بتواند با تغییر نقشه هیدروپلیتیک این مناطق بر شرایط ژئواستراتژیک مناطق مزبور تأثیر گذارده و با مطرح نمودن خود در منطقه به عنوان یک هیدروهمژمون، در جستجوی برپا نمودن مجدد پایه های امپراطوری عثمانی باشد. ردپای این موضوع را حتی می توان در حمایت ضمنی ترکیه از گروه تروریستی داعش نیز مشاهده کرد. هماکنون رژیم هیدروپلیتیک حوضه آبریز دجله و فرات تغییر کرده است و با حمایت ترکیه از گروه داعش، کشورهای عراق و سوریه به عنوان بازیگران درجه دوم دیپلماسی آب در منطقه مطرح شده اند و کردهای عراق و گروه داعش بدلیل شرایط سیاسی و جغرافیایی، به نوعی به عنوان بازیگران اصلی و نوظهور این حوضه آبریز می توانند قدرت نمایی کنند. در چنین شرایط به هم ریخته ای، ترکیه به راحتی می تواند استراتژی مبتنی بر هیدروهمژمونی و سیاست های رئالیستی خود را دنبال نماید. (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳: ۶). در این بین ترکیه با اهرم آب، به عنوان واسطه صلح اعراب و صهیونیسم عمل نموده و موقعیت راهبردی خود در آسیای غربی و حتی عرصه بین المللی را به طور ویژه ای تقویت خواهد کرد (کیانی، ۱۳۹۷: ۱۱).

- به خطر انداختن ساختارهای سیاسی و اجتماعی داخلی دولت های محوری حوزه

آبریز دجله و فرات:

را که به نوعی با عراق و سوریه و منطقه کردستان عراق و همچنین ایران اشتراک داشته و آمیخته است، به خطر انداخته است الگوی رفتاری ترکیه در بهره برداری از حوضه آبریز

دجله- فرات مبتنی بر نگرش هیدروهمزومونی و سیاست‌های رئالیستی، منجر به تغییر رژیم هیدروپلیتیک این حوضه شده و با پدیدار شدن جریان داعش، کشورهای عراق و سوریه به نوعی به عنوان بازیگران درجه دوم دیپلماسی آب در منطقه مطرح شده‌اند و کردهای عراق و گروه داعش به دلیل شرایط سیاسی و جغرافیایی، ظاهراً به عنوان بازیگران مهم و نوظهور این حوضه آبریز می‌توانند قدرت‌نمایی کرده و نقش نیابتی به نفع ترکیه (در جهت کاهش فشارهای سیاسی- آبی) در مقابل کشورهای پایین دست ایفا نمایند. لذا این نحوه سیاست گذاری ترکیه در حوضه آبریز دجله و فرات ساختارهای سیاسی و اجتماعی را که به نوعی با عراق و سوریه و منطقه کردستان عراق و همچنین ایران اشتراک داشته و آمیخته است، به خطر انداخته است. (عبدی، ۲۰۰۸: ۴۳).

- آسیب رسانی به پدیده جمعیت و تامین غذایی مناطق پایین دست دجله و فرات:
 آب‌گیری سد آتاتورک در سال ۱۹۹۲ موجب شد جریان آب فرات به مدت یک ماه قطع شود. در حالی که پیش از آن در سال ۱۹۸۷ ترکیه و سوریه توافقی منعقد نمودند که طی آن در قبال دست کشیدن دولت سوریه از حمایت پ.ک.ک، ترکیه سالیانه ۱۵,۷۵ میلیارد متر مکعب آب از رود فرات به حوضه آبریز سوریه جریان بدهد (tugba:۲۰۱۲). آب‌گیری بیش از حد سد آتاتورک توسط ترکیه در کنار فقدان کفایت لازم از سوی دولت سوریه جهت مدیریت منابع آب زیرزمینی و سطحی، سبب خشک‌سالی عظیمی در سال‌های پس از ۲۰۰۶ شد که تبعات امنیتی جدی بر وضعیت سوریه گذاشت. طی این خشک‌سالی در شمالی شرقی سوریه، حدود ۸۵٪ احشام تلف شده و ۷۵٪ کشاورزان محصولات‌شان را از دست دادند و در نتیجه تا سال ۲۰۱۰ نزدیک به یک میلیون نفر از موطن خویش مهاجرت کردند. مسأله‌ای که موجب گرانی ۳۰٪ مواد غذایی شد و دولت سوریه را به هزینه‌کرد بالا در حوزه واردات گندم مجبور ساخت (بدیعی، ۱۳۹۴: ۱). از دیرباز عراق و سوریه صادرکنندگان گندم بودند اما به تدریج توانایی این کشورها برای تولید غلات بدلیل کمبود آب کمتر از ترکیه شد. در حال حاضر از مواد غذایی عرضه شده در مغازه‌های بغداد مشهود است که اکثر آن‌ها از سایر کشورهای منطقه به ویژه از ایران و ترکیه وارد می‌شود. یکی از دلایل اصلی کمبود مواد غذایی در عراق، نتیجه یک کشاورزی فاجعه‌بار است که محصول کمبود آب است. تلاش ترکیه برای تبدیل کردن منطقه گاپ به یک منطقه توسعه یافته، پتانسیل کشاورزی و آب



زیرزمینی در کشورهای پایین دست را تهدید می‌کند. سوریه برای مقابله با این معضل، تلاش می‌کند تا به خودکفایی دست یابد و زمین‌های کشاورزی را از طریق آبیاری قطره‌ای دو برابر کند. استفاده نکردن از فناوری‌های جدید برای صرفه‌جویی در آب و شیوه‌های آبیاری نامناسب در بخش کشاورزی، باعث افزایش هدر رفت آب، در کشورهای عراق و سوریه شده است. این سد باعث از بین رفتن ساحل طبیعی رودخانه دجله که محل زندگی حشرات و دوزیستان هست، خواهد شد. همچنین احتمال تخریب بستر رودخانه و کاهش کیفیت آب و بالا رفتن هزینه تصفیه برای کشورهای منطقه خواهد شد. مجادلات ترکیه و سوریه جهت مدیریت آب ورودی فرات سابقه دیرینی دارد. ترکیه همواره در تلاش بوده تا مذاکره با سوریه در مسأله آب را به معامله بر سر رود عاصی در استان هاتای مرتبط سازد تا تملک ترکیه بر این استان از سوی سوریه به رسمیت شناخته شود (نقدی نژاد، ۱۳۸۷: ۶۳).

رودهای دجله و فرات از منابع اصلی آب سرزمین‌های عراق و سوریه است که در کمربند خشک و بیابانی آسیای غربی قرار دارند به طوری که عراق ۶۶٪ و سوریه ۳۴٪ آب مورد نیازشان از خارج مرزهای‌شان تأمین می‌شود. ولی تلاش ترکیه طی دهه‌های گذشته برای محدود کردن میزان آب ورودی این رودها به این دو کشور، آن‌ها را با مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی مواجه نموده و تأثیرات سیاسی و امنیتی جدی بر وضعیت ارتباطات منطقه‌ای دولت‌های حوضه رودهای مذکور بر جای خواهد گذاشت. در این بین رژیم صهیونیستی با ورود به فاز اجرای این پروژه و تسریع در بهره‌برداری از آن، نه فقط در پی دستاوردهای مالی است بلکه درصد تأمین اهداف جدی سیاسی و دیپلماتیک می‌باشد. (مختاری، ۱۳۸۷: ۴۷).

پی آمدهای گاپ برای عراق و سوریه

دولتها در طول تاریخ برای به دست آوردن امنیت منابع با یکدیگر کشمکش داشته و این مسئله اغلب به رخداد جنگها، کمک کرده است. در این رابطه برخی محققان اعتقاد دارند تاریخ بشر، به تعبیری جنگ بر سر منابع بوده است. با این اوصاف دسترسی به منابع آبی می‌تواند توجهی برای آغاز جنگ باشد و سیستمهای عرضه آب نیز به هدفی برای تهاجم نظامی مبدل شوند. بقای ارگانیک به مثابه ملاحظه ای مرتبط با امنیت ملی، بیش از کشورهای غربی، متوجه دولتهای درحال توسعه است. چراکه این کشورها هم اکنون در معرض رشد مستمر جمعیت بوده درحالیکه برای مقابله با فشارهای جمعیتی، فاقد منابع و فناوری های داخلی

هستند. (عسگری ۱۳۸۱: ۴۹۷)

به دنبال بروز ناآرامی ها در سوریه موضعگیری اولیه دولت ترکیه در قبال تحولات سوریه حمایت از انجام اصلاحات در سوریه و توصیه به بشار اسد برای انجام اصلاحات سیاسی در این کشور را شامل می شد (مسعودنیا، فروغی و چلمقانی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

از سال ۲۰۱۲ سیاست ترکیه در قبال سوریه تغییر کرد و این کشور در راستای سیاست جدید خود نه تنها به مخالفان دولت سوریه امکان عبور از خاک خود و حمل سلاح را به درون خاک سوریه داد، بلکه خود نیز تا مرحله درگیری نظامی با دولت دمشق پیش رفت. از سوی دیگر بحران موجود در عراق نیز بر پیچیدگی وضعیت هیدروپلیتیکی این منطقه افزوده است.

در شرایط موجود در مورد آینده روابط آنکارا_دمشق چشم انداز روشنی را نمیتوان برایش ترسیم کرد، قطعاً دمشق دخالت‌های ترکیه در امور داخلی این کشور را فراموش نخواهد کرد و اینکه دولت ترکیه نیز از مواضع خود عقب نشینی نمیکند؛ لذا در وضعیت کنونی ترکیه به خوبی از برگه برنده خود (هیدروپلیتیک) استفاده میکند. و باید گفت در اینجاست که منابع آبی و هیدروپلیتیکی در خدمت دولتها قرار میگیرند بعنوان یک ابزار زور برای پیشبرد اهداف و نفوذ در منطقه و این سیاست اعمال زور در راستای تقویت زیرساختهای خود و فشار بر کشور همسایه متخاصم انجام میگیرد.

عراق به دلیل عدم وجود یک دولت مرکزی قوی و عدم قدرت چانه زنی هیدروپلیتیکی، این کشور نیز به مانند سوریه کمترین سهم از حقایق خود را از ترکیه اتخاذ کرده است. وضعیت نابسامان داخلی و تسلط گروه های تروریستی بر منابع آبی عراق باعث شده بود کشور فرادست یعنی ترکیه نیز از این فرصت استفاده کند و سهم بیشتری از منابع آبی مشترک اتخاذ کند.

با عبور عراق از معضل گروه های تروریستی-تکفیری باز هم نتوانسته قدرت چانه زنی خود را نسبت به این چنین مسائل افزایش دهد که این بدلیل اتفاقات داخلی و انفعال در عدم تشکیل یک دولت مرکزی یکپارچه و مقتدر میباشد.

با این تفاسیر از شرایط دوکشور عراق و سوریه، میتوان استنباط کرد که مناسبات هیدروپلیتیکی در این منطقه حالت برد-باخت به خود گرفته است (افشین کرمی، جواد حسن



زاده، زهرا پیشگاهی فرد، ۱۳۹۵: ۴۶-۴۷).

عراق ادعا می‌کند مسائل و مشکلات زیر در صورت اجرای کامل پروژه گاپ متوجه عراق خواهد شد:

- **کمبود آب:** با اجرای کامل پروژه گاپ، رودخانه فرات ۷۰ درصد از آب خود را از دست خواهد داد (Wilson, R. ۲۰۱۲). با کاهش آب‌های ورودی به عراق، این کشور به زیر خطر فقر آب خواهد رفت (خط فقر و یا بحران آب ۱۰۰۰ مترمکعب آب در سال برای هر نفر تعریف شده است) (Water, U.N. ۲۰۰۶).

- **عدم امنیت غذایی:** با کاهش آب‌های ورودی به عراق، بخش کشاورزی این کشور آسیب جدی خواهد دید و واردات انواع مختلف مواد غذایی افزایش خواهد یافت و کشور عراق بیش از پیش به کشورهای خارجی وابسته خواهد شد.

- **نگرانی‌های بهداشتی:** با کاهش ورود آب‌های شیرین و عدم تغذیه سفره‌های زیرزمینی، شوری و آلودگی لایه‌های آبدار زیرزمینی افزایش خواهد یافت. آب‌های شور خلیج فارس به دلیل کاهش حجم اروندرود (شطالعرب) به سمت بصره نفوذ خواهند یافت و کیفیت آب‌های این منطقه را کاهش خواهند داد. در نتیجه، مرگومیر انواع جانوران از جمله ماهی‌ها افزایش خواهد یافت؛ تا جایی که از دهه ۱۹۹۰ تاکنون جمعیت ماهی‌های این منطقه به نصف کاهش یافته است (Wilson, R. ۲۰۱۲).

- **هزینه‌های محیط‌زیستی:** با اجرای پروژه گاپ، بحران‌های زیست‌محیطی نظیر ایجاد کانون‌های گردوغبار در محدوده تالاب‌های مرکزی بین‌النهرین رخ خواهد داد. در نتیجه برای احیای این زمین‌ها و نجات زندگی مردم، نیاز است که دولت میلیاردها دلار هزینه کند که این هزینه‌ها بار اضافی به اقتصاد ملی عراق وارد خواهد کرد.

- اما ترکیه با اجرای پروژه گاپ، دو هدف عمده زیر را دنبال می‌کند. الف) کنترل کل جریان آب دجله و فرات که طبیعتاً بخشی از این آب‌ها به عراق و سوریه تعلق دارد. ب) محدود کردن تخصیص آب به کشورهای پایین دست که این امر در آینده به وابستگی سیاسی بیشتر این کشورها به ترکیه منجر خواهد شد.

- بی‌آب کردن و متروکه شدن چندین میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی.

- توسعه بیابان‌زایی در کشور های منطقه

- تزییع حقوق جوامع بومی

- بی توجهی به حقایق جوامع بومی و محلی

- تغییرات گونه های بومی فون و فلور منطقه

- تاثیر مستقیم هیدروپلیتیک ترکیه در توسعه ریزگردها (میرسنجری، ۱۳۹۶: ۲).

مهم ترین منبع آب عراق، رودهای دجله و فرات هستند که اولی مستقیماً از ترکیه به این کشور سرازیر می شود و دومی نیز پس از عبور از سوریه به خاک عراق می ریزد. در مجموع حدود ۸۵٪ آب شیرین عراق از این دو رود تأمین می شود. به همین دلیل وضعیت داخلی عراق تأثیر جدی بر روند اجرای پروژه گپ داشته است. فرآیند تکمیل سدها و نیروگاه ها پس از اشغال عراق توسط آمریکا، تسریع گردید و با شدت بیشتری دنبال شد. مسأله ای که با بروز جنگ داخلی ناشی از تسلط داعش بر مناطق شمال غربی سبب کم توجهی بیشتر دولت عراق به این مسأله و سوءاستفاده روزافزون دولت ترکیه شده است. با اجرای بهره برداری از سد ایلیسو از پروژه گپ، ۴۷٪ آب ورودی عراق کاهش یافته و حدود ۷۰۰ هزار هکتار از زمین های زراعی این سرزمین در حوضه آبریز دجله، خشک یا بسیار کم آب خواهند شد (مینایی، ۱۳۹۶: ۱۳).

هم چنین با توجه به کاهش حجم آب رودخانه از ۵۰۰۰ متر مکعب در زمستان و بهار به ۲۰۰ متر مکعب در تابستان، علاوه بر ضربه شدید به کشاورزی این کشور، بخش عظیمی از نیازمندی آب شرب جامعه عراق نیز دچار بحران خواهد شد و از منظر بهداشتی نیز کاهش حجم آب رودخانه، آلودگی های آبی را افزایش داده و موجب تکثیر بیش از پیش بیماری های واگیردار مانند حصه می شود. نکته ای که با در نظر گرفتن احتمال جاری شدن فاضلاب کشاورزی و یا موارد دیگر ناشی از توسعه صنعتی جنوب شرقی ترکیه به آب جاری در عراق، می بایست بیش از پیش نسبت به آن هشیار بود (مختاری، ۱۳۸۷: ۶۱)..

وابستگی عراق و سوریه به ترکیه سبب می شود مجبور شوند در حوزه منطقه ای همراهی بیشتری با رویکرد ترکیه داشته باشند و به همین سبب در برخی حوزه ها، سیاست های نزدیک به راهبردهای ترکیه اتخاذ کنند که از مطلوبیت نسبی برای رژیم صهیونیستی نیز برخوردار است. دورتر شدن عراق و سوریه از جبهه مقاومت به محوریت ایران و تعامل با جبهه اسلام به اصطلاح میانه رو از جمله اهداف مشترک آمریکا، صهیونیست ها و ترکیه می باشد. هم چنین



طرح خط لوله صلح به کشورهای حاشیه خلیج فارس (که با توجه به بحران‌های آبی کمبود آب و هزینه بالای شیرین کردن آب دریا می‌تواند مورد توجه این دولت‌ها قرار بگیرد) در وادار کردن‌شان به پذیرش طرح صلح تحمیلی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی مؤثر واقع خواهد شد (کیانی، ۱۳۹۷: ۱۱)..

پی آمدهای سیاسی - امنیتی برای ایران

تأثیر سدسازی ترکیه و ارتباط آن با پدیده گرد و غبار در ایران موجب شکنندگی اکوسیستم ایران شده است زیرا بخش اعظم ایران از مناطق خشک و نیمه خشک تشکیل می‌شود، یکی از ویژگی‌های این مناطق خشک و نیمه خشک اکوسیستم‌های بسیار شکننده آنهاست زیرا این مناطق دارای کمبود آب هستند، در واقع، فشارهای ناشی از سدسازی ترکیه، این شکنندگی را بیشتر می‌کند.

ضربه دیگر این طرح آن‌که خشکی و کم‌آبی مفرط در حوضه دجله در بازه زمانی میان‌مدت به تولید شدید ریزگردها در محدوده شرقی عراق در مرز ایران منجر می‌شود و نه تنها خوزستان، بلکه دیگر استان‌های مرزی غرب ایران را نیز گرفتار پدیده ریزگردها خواهد کرد. مسأله‌ای که آسیب‌های زیست‌محیطی و نارضایتی عمومی را در مناطق محروم ایران تشدید می‌نماید. (مختاری، ۱۳۸۷: ۶۱). خشکی و کم‌آبی مفرط در حوضه دجله در بازه زمانی میان‌مدت به تولید شدید ریزگردها در محدوده شرقی عراق در مرز ایران منجر می‌شود و نه تنها خوزستان، بلکه دیگر استان‌های مرزی غرب ایران را نیز گرفتار پدیده ریزگردها خواهد کرد. مسأله‌ای که آسیب‌های زیست‌محیطی و نارضایتی عمومی را در مناطق محروم ایران تشدید می‌نماید. (کیانی، ۱۳۹۷: ۱۱). در همین مورد بیان شده که اجرای پروژه گپ، این جسارت را به دولت افغانستان می‌دهد که با قدرت بیشتری مانع بهره‌برداری ایران از سرچشمه‌های هیرمند و هریرود گردد و به استناد تلاش ترکیه برای مهار آب‌های داخلی، از یک عرف مشترک در حوزه منابع فراملی سخن براند که در نهایت، بحران‌های معیشتی و اجتماعی استان‌های شرقی ایران به خصوص محدوده حساس سیستان و بلوچستان را افزایش دهد. (کیانی، ۱۳۹۷: ۱۲)

موضوع بسیار کلیدی این است که وقتی که مسیر دجله و فرات را در بالادست طرح GAP تغییر می‌دهید و اکوسیستم را در پایین دست (خشک شدن تالاب‌های هورالعظیم و هورالهویزه) با مشکل مواجه می‌کنید، بدین معناست که در واقع اقلیم را تغییر داده اید. بخشی

از شرایط خشکی و عدم شکل بارش به واسطه این تغییر اقلیم است که حتی الگوهای طبیعی را نیز در منطقه تغییر می‌دهید. بین النهرین با مجموعه تالاب‌های هورالعظیم و هورالهویزه - مشترک بین ایران و عراق - یکی از نخستین کانون‌های تمدن بشری بوده است که در حال حاضر تبدیل به بزرگترین کانون گرد و غبار در منطقه شده است که تنها خط باریکی آب باقی مانده به این مجموعه آبی سرازیر می‌شود (خدایپناه، ۱۳۹۸: ۲-۴).

باتوجه به نزدیکی ژئوپلیتیکی میان ایران، عراق و سوریه، خشک سالی ایجاد شده در این کشورها به ایران میرسد و علاوه بر مشکلات ریزگردها، به کیفیت زمینهای کشاورزی نیز صدمه وارد میکند و این امر بتبع باعث بی کیفیتی محصولات کشاورزی و درنهایت خشکسالی دائمی و تعطیل شدن صادرات محصولات کشاورزی و غذایی میشود (ماری ملکی، ۱۴۰۱: ۲۱۱).

باتوجه به اینکه بیشتر مواد تولیدی غذایی برای صادرات و حتی مصرفی داخل از سمت غرب کشور تامین میشود، این عامل خود خطر تهدید امنیت غذایی را برای ایران در پی خواهد داشت و این امر باعث به ثمر رسیدن سیاست ترکیه برای تبدیل به بزرگترین کشور تامین کننده خوراک در خاورمیانه میشود و ایران نیز در حالیکه یکی از صادرکنندگان میباشد، تبدیل به یک واردکننده محصولات کشاورزی و به ترکیه وابستگی پیدا میکند.

وزیر سابق جنگلداری و امور آب ترکیه اظهار داشته است ترکیه در ۱۸ سال گذشته از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۲۰، ۵۸۵ سد بر روی رودخانه های کشورش احداث کرده است. یکی از بزرگ ترین این سد ها بر روی رودخانه ی ارس است که ایران در آن به عنوان کشور پایین دست به حساب می آید. یکی از اهداف اصلی ترکیه از ساخت سد و نیروگاه برق آبی بزرگ کاراکورت _ بر روی ارس_ برق آبی ذکر شده است. البته ترکیه علاوه بر سدکاراکورت، دو سد دیگر به نام های سویملز و توزلوجا را نیز بر روی بستر اصلی رودخانه ی ارس در دست برنامهریزی و اجرا دارد. این پروژه ها بر میزان دبی رودخانه ارس و حجم ذخیره ی آب تأثیر می گذارد و بنابراین مناطق پایین دست یعنی ایران از نظر کشاورزی دچار صدمه می گردند و مناطق حاصل خیز آن بی آب میشود (کلانتری و حکمت آرا، ۱۳۹۹: ۱۰-۹).

باتوجه به بررسی داده ها و اطلاعات، ترکیه درصدد اجرای سیاست انزوای ایران و وابسته کردن این کشور در امور آبی و غذایی برای پیشبرد سیاست هژمونیک خود در منطقه



خاورمیانه و ایجاد یک جایگاه تاثیر گزار در سطح منطقه و فرامنطقه ای میباشد و بنوعی با اتخاذ سیاست سدسازی و گرفتن حقایق در تلاش برای ایجاد یک رقابت در عرصه هیدروپلیتیک با ایران میباشد.

پی آمدهای سیاسی - امنیتی برای اکراد

به زعم برخی مهم‌ترین اثر سیاسی و اجتماعی پروژه، تقویت موضع دولت ترکیه نسبت به مسأله کردها است. اجرای این پروژه و تخریب مناطق قدیمی و بعضاً باستانی جهت ساخت سدها و نیروگاه‌ها، موجب اجبار بخش‌هایی از روستانشینان و شهرنشینان گرد از وطن بومی‌شان به مناطق مرکزی ترکیه شده است. گفته می‌شود تکمیل این طرح موجب کوچ اجباری حدود ۲ میلیون گرد خواهد شد (کریمی، ۱۳۹۶: ۱۱). از سوی دیگر توسعه‌یافتگی مناطق جنوب شرقی و مهاجرت دیگر اقوام به آنجا، موازنه جمعیتی را به ضرر کردها تغییر خواهد داد. هم‌چنین جمعیت باقی‌مانده اکراد نیز با توجه به میزان اشتغال ایجادشده، به نوعی در رویکرد سیاست توسعه‌ای دولت هضم شده و از جذب آنها به واسطه فقر و معضلات معیشتی به معارضین به ویژه پ.ک.ک اجتناب می‌شود. نوعی رویکرد اجتماعی‌سازی که قومیت ناراضی و مخالف گرد را به شهروندان مطلوب دولت ترکیه تبدیل می‌کند (Ansari, 2016: 147).

از سوی دیگر، این پروژه به جز این زیان‌های زیست‌محیطی برای ایران و تأثیر منفی بر امنیت غذایی عراق؛ از منظر سیاسی نیز تنش‌های داخلی میان بغداد و اربیل را تشدید می‌کند؛ زیرا اقلیم کردستان به واسطه مجاورت جغرافیایی با مرزهای ترکیه ممکن است فارغ از اراده دولت مرکزی اقداماتی برای مهار آب باقی‌مانده و جاری‌شده در خاک عراق انجام دهد که با توجه به فقدان انسجام ساخت سیاسی در بغداد، محتمل می‌نماید. از سوی دیگر، کاهش نفوذ گروه‌های معارض گرد در خاک ترکیه، عمده تمرکز و نیروی آنان را متوجه مرزهای غربی ایران خواهد نمود و منازعات امنیتی و نظامی در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان افزایش خواهد یافت. از زمان اجرای پروژه گپ، حجم آب ورودی فرات به سوریه از ۸۵۰ سانتی‌متر بر ثانیه به ۵۰۰ سانتی‌متر بر ثانیه کاهش یافته است (Jeffrey, 2007: 189). در همین زمینه برخی بر این باورند که یکی از مسائلی که در نهایت جرقه جنگ داخلی سوریه را روشن ساخت و با دخالت مخالفان عربی و غربی دولت این کشور، آن را به ورطه نبردی

خون‌بار کشاند، همین مساله است. تکمیل سدهای طراحی شده بر فرات و افزایش هژمونی آن در حوزه منابع طبیعی، توان چانه‌زنی دولت ترکیه در مذاکرات مرتبط با تعیین آینده سیاسی سوریه را تقویت خواهد کرد. مسأله‌ای که می‌تواند در راستای استقرار نیروهای نزدیک به ترکیه در مناطق شمالی سوریه و ایجاد کمربندی جهت مقابله با نفوذ گروه‌های کُردی مورد استفاده قرار بگیرد. هم‌چنین اختلافات آبی میان عراق و سوریه بر سر چگونگی سهمیه‌بندی آب ورودی فرات میان این دو کشور نیز تشدید خواهد شد به ویژه که عراق سهمی از سرچشمه‌های این رودخانه ندارد. جالب آن‌که با تکمیل پروژه گپ، ترکیه آبی را که از منظر طبیعی جزئی از حقوق دولت‌های عراق و سوریه به شمار می‌رود به آنها می‌فروشد تا به این ترتیب بخشی از هزینه‌های بالای این طرح را به طور تدریجی جبران کند. (کیانی، ۱۳۹۷: ۹).

چند نکته:

- سیاست‌های حمایتی ترکیه از پروژه‌های آبرسانی
پروژه آبیاری حسکه پروژه آبیاری رودخانه دجله بود که بر اساس یک توافق دوجانبه در سال ۲۰۰۲ بین عراق و سوریه اجرا شد. هدف این پروژه، پمپاژ ۲۵/۱ میلیارد مترمکعب از آب دجله به کانال احداث شده (قبل از اینکه آب دجله وارد خاک عراق شود) و برگشت این آب به خاک سوریه جهت آبیاری حدود ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی منطقه حسکه در شرق کشور بود (United Nation ESCWA and BGR ۲۰۱۳). پروژه مزبور با همکاری ترکیه اجرا شده و توسط صندوق کویت برای توسعه اقتصادی کشورهای عرب تأمین مالی شد. ناگفته نماند که حکومت عراق نگرانی‌های جدی درباره این پروژه ابراز نمود و اعتراض رسمی علیه ترکیه و سوریه صادر کرد. تأثیرات زیان‌بار پروژه آبیاری حسکه بر محیط‌زیست و کاهش حق‌آبه عراق، دلیل اعتراضات این کشور بود.

- از آنجایی که سوریه و عراق هر دو درگیری‌های داخلی را تجربه کرده اند، تقاضای آنها برای آب کم بوده است. زمانی که ترکیه تهدید می‌کند جریان آب به سوریه و عراق را تنظیم می‌کند، یا زمانی که ترکیه از آب به عنوان اهرم سیاسی برای گرفتن امتیاز استفاده می‌کند، ممکن است احتمال درگیری ایجاد شود. ترکیه از سیستم‌های مدیریت آب عراق و سوریه و تجربیات خود در زمینه قطع/خاموش کردن منابع آب انتقاد می‌کند. افزایش خشکسالی عراق را در برابر امنیت غذایی و واردات آسیب پذیر خواهد کرد. ساخت و ساز سدها تقاضا برای فناوری‌های امنیتی جدید را برای محافظت در برابر آسیب پذیری درگیری



های آینده افزایش می دهد. ترکیه کاهش جریان آب را به گردن ایران و سدهایش می اندازد که به عراق از «مقدار کافی آب» اطمینان می دهد (الصالح ۲۰۱۸).

- از منظر ملی نیز تکمیل این پروژه توسعه اقتصادی و اجتماعی ۹ استان در جنوب شرقی ترکیه را تقویت خواهد کرد و موقعیت حزب عدالت و توسعه را نسبت به گروه های رقیب برتری می بخشد. افزایش درآمد سرانه اهالی استان های جنوب شرقی، توسعه بازار کشاورزی منطقه جهت صادرات به دیگر استان ها و خارج از کشور، تأسیس نهادهای خدماتی بهداشتی و درمانی متناسب با جمعیت فعال در بخش کشاورزی و توسعه خطوط حمل و نقل از مهم ترین تأثیرات بهره برداری از این پروژه می باشد. تأثیر مهم دیگر در حوزه اقتصاد سیاسی آن است که در کنار افزایش زمین های کشاورزی و ایجاد اشتغال در شهرها و روستاهای محروم که رضایت مندی عمومی را بهبود می بخشد، از سوی دیگر با تولید انرژی برق از منابع آبی، نیاز ترکیه به خرید نفت را به میزان قابل توجهی کاهش خواهد داد. به گونه ای که برآوردها نشان می دهد ۴۰٪ انرژی مورد تأمین با سوخت های فسیلی جایگزین خواهد شد (Ansari, ۲۰۱۶: ۱۴۷). در همین مورد بیان شده که اهداف کلی این پروژه که در منطقه جنوب شرقی ترکیه در حال اجرا است، شامل افزایش رفاه عمومی، افزایش رشد و توسعه اقتصادی منطقه، از بین بردن فقر و نابرابری های اقتصادی-اجتماعی و رساندن سطح زندگی مردم ترکیه به سطح استانداردهای مطرح زندگی در دنیا است. ترکیه قصد دارد با اجرای این پروژه عدالت بین مناطق مختلف ترکیه را تقویت نموده و بهانه تبعیض قومی را از دست تروریست های پ. ک. ک بگیرد. (شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۸: ۶)

- در ۶ فوریه ۲۰۲۳ (۱۷ بهمن ۱۴۰۱)، در ساعت ۱۷:۰۴ به وقت ترکیه (۱:۱۷ گرینویچ)، زمین لرزه ای سهمگین و فاجعه آمیز به بزرگی ۷/۸ ریشتر مرکز و جنوب ترکیه و شمال و غرب سوریه را به مدت ۷۵ ثانیه لرزاند و خسارت های گسترده ای به جای گذاشت. در این زلزله دست کم ۵۷۳۵۰ کشته و ۱۲۱۷۰۰ زخمی شده اند.

در همان ابتدای بحران زلزله برخی کارشناسان در فضای فارسی و عرب زبان گفتند این زلزله به سدهای ترکیه ربط داشته که ظاهراً این ادعا بی راه نبوده است.

در حالی که زمین لرزه می تواند عواقب جبران ناپذیری برای سدها به همراه داشته باشد اما باید گفت که سدها خود بر لرزه خیزی منطقه اثر می گذارند. این مخازن بزرگ می توانند در

ایجاد زمین‌لرزه نقش داشته باشند. این پدیده که با عنوان «لرزه‌خیزی ناشی از مخزن» شناخته می‌شود عمدتاً به دلیل فشار بیش از حد آب در ترک‌ها و شکاف‌های ریز در پی سد و نواحی نزدیک به آن است. آب باعث روان شدن گسل‌ها می‌شود. این موضوع که مشخص است به ماهیت زمین‌شناسی ساختاری و سنگ‌های اطراف بستگی دارد قابل پیشبینی نیست. (عطنا، <https://atna.atu.ac.ir/> (۱HG۰۰۶))

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد ترکیه در سیاست‌های آبی خود در خصوص رودخانه‌های دجله و فرات تنها اهداف اقتصادی و تجاری را دنبال نمی‌کند بلکه نشانه‌هایی مبنی بر اینکه این کشور از عامل آب به‌عنوان ابزاری برای کسب موقعیت برتر سیاسی (هیدروهمژمونی) در خاورمیانه استفاده می‌کند، وجود دارد. ترکیه از طریق پروژه گاپ می‌تواند کنترل بخشی از اقتصاد این دو کشور را در دست بگیرد و به‌طور غیر مستقیم ایران را هم به‌خاطر تبعات محیط‌زیستی این سدسازی‌ها تحت فشار سیاسی بگذارد. در این میان تنها چاره کوتاه و بلندمدت برای حل این بحران، تلاش برای شکل‌گیری نهاد همکاری منطقه‌ای به‌منظور آغاز گفتگوی چندجانبه برای تعیین رژیم حقوقی برداشت از آب رودخانه‌های دجله و فرات و همکاری در این حوزه است.

در حال حاضر هیچ توافق نامه یا چارچوب رسمی برای حمایت از اشتراک عادلانه و مدیریت پایدار منابع آب در منطقه وجود ندارد (حسن و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به اثرات پیش‌بینی‌شده تغییرات آب و هوایی و بدتر شدن تخریب محیط‌زیست در حوضه، یافتن راه‌حلی برای کاهش این اثرات در منطقه‌ای که معیشت به شدت به کشاورزی وابسته است، بسیار مهم است. در حالی که برخی از ناظران استدلال می‌کنند که خطر جنگ بین ایالتی بر سر حوضه کم است (لورنز و اریکسون، ۲۰۱۳)، عدم پیشرفت در همکاری‌های آب مرزی می‌تواند منجر به "شکندگی فزاینده" به ویژه در عراق و سوریه شود. (مولر و همکاران، ۲۰۲۱).

بحران آب اگر نتواند به‌درستی کنترل و مدیریت شود، نظم سیاسی موجود در خاورمیانه برهم خواهد خورد. از درون بحران آب و مسائل زیست‌محیطی آن چه‌بسا زوال تمدن‌ها رقم بخورد و منازعات قومی و جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای شکل گیرد. عراق، سوریه، ایران و ترکیه در مرکز این مناقشات منطقه‌ای می‌توانند قرار گیرند.



پروژه گاپ ناظر بر سدسازی در ترکیه است که کشورهای سوریه و عراق و بخشی از جنوب ایران به لحاظ محیط زیستی تحت شعاع قرار می‌دهد. با تکمیل پروژه گاپ سه اثر به لحاظ زیست محیطی در بر ایران مترتب خواهد شد: تهدیدات زیست محیطی در مناطق همجوار با عراق از جمله هورالعظیم و تنش‌های حقوقی همچون حق‌آبه با کشورهای همجوار و مناطق پایین دست اجرای پروژه گاپ و افزایش ریزگردها به دنبال پرشدن مناطقی از عراق و سوریه سه اثری است که با اجرای کامل پروژه گاپ به ایران وارد می‌شود.

بنابراین آنچه در این میان به پیچیدگی مناسبات هیدروپلیتیکی بازیگران اصلی حوضه این دو رودخانه دامن می‌زند، فقدان رژیم حقوقی آبی مورد قبول هر سه کشور برای تعیین میزان حق‌آبه مورد نیاز است. مشکلات رودخانه‌های دجله و فرات بیش از آنکه ناشی از کمبود بارش باشد از عدم هماهنگی میان سه بازیگر اصلی این حوضه‌ها ناشی می‌شود؛ در بعد منطقه‌ای مهم‌ترین مسئله، حق‌آبه دجله و فرات است که دولت ترکیه سال‌هاست با بهره‌برداری از وضعیت آشوبناک منطقه، ضعف دولت‌های عراق و سوریه و جنگ‌های طولانی مدت منطقه‌ای، آن را در قالب پروژه گاپ و حق مسلم خود به‌عنوان کشور بالادستی برداشت می‌کند، پیشینه مذاکرات سه کشور برای دستیابی به حق‌آبه نیز گویای مقطعی بودن این مذاکرات و نبود اراده معطوف به حل کامل مسئله میان این سه کشور است. ازسوی دیگر، ترکیه تاکنون با واکنش مؤثر کشورهای پایین‌دستی یعنی عراق، سوریه و حتی ایران مواجه نشده است.

با توجه به تبعات زیست محیطی و انسانی پروژه گاپ بر کشورهای منطقه، همکاری میان کشورهای عراق، سوریه و ایران و پیگیری دیپلماسی فعال منطقه‌ای در قالب متغیرهایی چون انرژی، مبادلات بازرگانی، مسائل زیست محیطی و حقوق بشر در برابر ترکیه و یا مراجعه به کنوانسیون‌های بین‌المللی مثل کنوانسیون پاریس، کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی، کنوانسیون مونترال و کنوانسیون تالاب‌ها و نیز تمسک به قواعد عرفی و الزام آور حقوق بین‌المللی محیط زیست می‌تواند آنکارا را به رعایت حقوق آبی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای همجوار مجاب نماید و مانع از اقدامات تخریبی زیست محیطی آن در منطقه شود.

از سیاستهای ترکیه میتوان نتیجه گرفت که بطورکلی ترکیه بدنبال وابسته کردن

کشورهای منطقه از جمله ایران به خود میبشد که بتواند با تمسک به برگ برنده خود (هیدروپلیتیک) در مقابله با کشورهای دارای نفت و حامل های انرژی موازنه سازی کند و بسمت هژمونیک منطقه ای خیز بردارد.

یکی از دلایل جنگ داخلی سوریه، بحران آب و بیکاری کشاورزان بوده است. منابع آب این کشور وضعیت وخیمی دارد. ترکیه برخلاف توافق ۱۹۸۷ با سوریه، مقدار بیشتری از آب فرات را برداشت کرده و بایستی حق آبه قانونی سوریه را رهاسازی نماید تا کشاورزی منطقه آسیب نبیند. چون ترکیه توافق قبلی را نقض کرده، سوریه حق اعتراض دارد. عراق به دلیل درگیری های داخلی، فرصت کافی برای مدیریت آب های داخلی یا مشترک مثل دجله را نداشته و در برخی سال ها با سیلاب های ویرانگر و در سال های دیگر با خشک سالی مواجه بوده است. ترکیه می تواند با مهار آب دجله، همواره مقدار ثابتی آب را رهاسازی کند. ولی باید توافقی در این زمینه صورت گیرد تا وضعیتی که برای سوریه پیش آمده، درباره عراق تکرار نشود.



فهرست منابع

- اسکندریان، مهدی، (۱۳۸۴). ترکیه، تهران، نشر ابرار معاصر.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ای لیک، دیوید و مورگان، پاتریک.ام (۱۳۸۱). **نظمهای منطقه ۶-ای؛ امنیت سازی در جهانی نوین**، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بدیعی، شهریار (۱۳۹۴). «تأثیر تغییرات اقلیمی در آغاز جنگ سوریه»، **ماهنامه KWC**، بهمن، شماره ۹۴.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، **مردم، دولتها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خداپناه، بهمن (۱۳۹۸). ریزگرد و بیابان، میراث سد سازیهای همسایگان / جدیت دیپلماتیک به جای نامه های اعتراضی، **سایت خبری تحلیل بازار**.
- خدرلو، محمدرضا، (۱۳۸۴). «کانال بحر المیت گریزگاه بحران آب در غرب خاورمیانه»، **نشریه فرهنگ آشتی**.
- دیپلماسی ایرانی، (۱۳۹۳). آب ابزار بازی ترکیه در منطقه شده است، کد: ۱۹۴۵۰۵۵.
- شورای راهبردی روابط خارجی، (۱۳۹۸). تأثیرات پروژه های آبی ترکیه بر منطقه، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی.
- صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۵). «هیدروپلیتیک و امنیت ملی»، **فصلنامه راهبرد، زمستان**، شماره ۸۱.
- عبدی، عطاءالله (۲۰۰۸)؛ «تأثیر رویکرد هیدروپلیتیک در تحول قدرت های فرا منطقه ای» **فصلنامه دفاع استراتژیک**، شماره ۲۰.
- عبدی، عطاءالله (۱۳۹۶). «هیدروپلیتیک کردستان ترکیه»، **همایش دیپلماسی آب و فرصت های هیدروپلیتیک غرب آسیا**، دانشگاه خوارزمی، اسفند.
- کاویانی، مراد، (۱۳۹۶). «تأثیر مناسبات هیدروپلیتیکی بر امنیت آبی»، **همایش دیپلماسی آب و فرصت های هیدروپلیتیک غرب آسیا**، دانشگاه خوارزمی، اسفند.

- کریمی، حسین (۱۳۹۶). «سدسازی بر روی دجله و فرات»، همایش دیپلماسی آب و فرصت‌های هیدروپلیتیک غرب آسیا، دانشگاه خوارزمی، اسفند.
- کیانی، احسان، (۱۳۹۷). نقش رژیم صهیونیستی در سدسازی‌های ترکیه، اندیشکده راهبردی تبیین.
- مجتبوی، سید احسان، (۱۳۹۷). خشکسالی و چالش تأمین آب، سایت تحلیلی خبری عصر ایران.
- مختاری هشی، حسین و قادری حاجت (۱۳۸۷). " هیدرو پولیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵" بهار ، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال چهارم، شماره اول.
- میان آبادی، حجت و اعظم امینی، (۱۳۹۸). درهم تنیدگی آب، سیاست و محیط زیست در حوضه آبریز دجله و فرات، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره ۲، تابستان.
- میرسنجری، میرمهرداد، (۱۳۹۶). هیدروپولیتیک ترکیه و بحران‌های محیط زیستی ایران و خاورمیانه، مرکز بین المللی مطالعات صلح.
- مینیایی، مسعود (۱۳۹۶). «هیدروپلیتیک دجله و ریزگردهای ایران»، همایش دیپلماسی آب و فرصت‌های هیدروپلیتیک غرب آسیا، دانشگاه خوارزمی، اسفند.
- نقدی‌نژاد، حسن (۱۳۸۷). سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- انواری، علی (۱۳۹۷) «ساخت و راه اندازی سد ایلوسو در ترکیه و پدیده ریزگردها در ایران: اولویت اصول مرتبط با حقوق بین الملل محیط زیست». فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره دهم، شماره ۲۱۹-۲۶۱.
- کلانتری، جلال و حامد حکمت آرا (۱۳۹۹) «بررسی هیدروپلیتیکی سدسازی های ترکیه در حوضه ارس»، مقاله نهمین همایش ملی سامانه های سطوح آبگیر باران.
- کرمی، افشین؛ حسین زاده، جواد و زهرا پیشگامی فرد (۱۳۹۵) «تاثیرات هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تاکید بر دجله و فرات»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۷: ۲۹-۵۱.
- مسعودنیا، حسین؛ فروغی، عاطفه؛ چلمقانی، مرضیه، (۱۳۹۱)، « ترکیه و بحران سوریه از



میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، تهران؛ انجمن مطالعات جهان اسلام، شماره ۴، صص ۸۳-۱۱۰.

عسگری، محمود، (۱۳۸۱)، «نسبت نوین بین منابع آبی _ امنیت ملی»، *مطالعات راهبردی*، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲۸، صص ۳۳۷-۳۵۸.

ملکی، ماری، (۱۴۰۱)، «اهداف امنیتی ترکیه در پروژه سدسازی گاپ و تاثیر آن بر ایران»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین الملل*؛ دوره پنجم، شماره ۱۰، صص ۲۰۳-۲۱۹.

Al-Saleh, Muhanad. ۲۰۱۸. 'Turkey reassures Iraq over water supply as Tigris River levels dip amid dam work'. *Associated Press*, June ۵, ۲۰۱۸.

AL-SULAMI, Mohammad (۲۰۲۱). Region at risk due to divisive water policies, <https://www.arabnews.com/node/۱۹۷۷۴۶>.

Hassan, K. et al. (۲۰۱۸). *Iraq. Climate-related security risk assessment. Expert Working Group on Climate-related Security Risks.*

Lorenz, F. & Erickson, E.J. (۲۰۱۳). *Strategic Water: Iraq and Security Planning in the Euphrates-Tigris Basin. Quantico, VA: Marine Corps University Press.*

Mueller, A. et al. (۲۰۲۱). Climate change, water and future cooperation and development in the Euphrates-Tigris basin. *CASCADES Research Paper.*

Nadhir Al-Ansari, "Hydro Politics of the Tigris and Euphrates Basins", *Engineering*, March ۲۰۱۶, p.۱۴۷

Tugba Maden, "The Water Issue from Past to Present in Turkey-Syria Relations", October ۲۰۱۲, p.۶

Water, U.N. (۲۰۰۶) *Water, Facts and Trends*. World Business Council for Sustainable Development.

Wilson, R. (۲۰۱۲) Water-Shortage Crisis Escalating in the Tigris-Euphrates Basin. *Future Directions International.*

Wilson, Ryan. ۲۰۱۲. 'Water-Shortage Crisis Escalating in the Tigris-Euphrates Basin'. *Future Directions International*, August ۲۸, ۲۰۱۲

(Özkaynak and Tezcür and othet, ، ۲۰۲۱:۱۳۵۴other, ۲۰۲۰ (